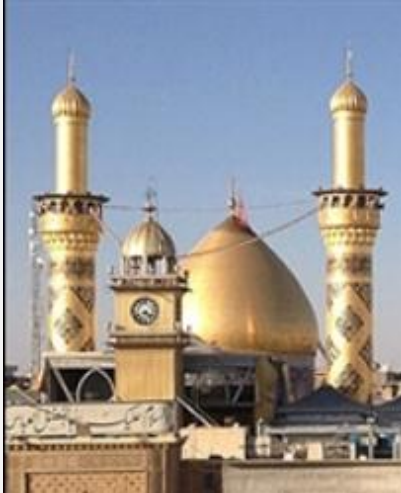


تبار و صفات قمر بنی هاشم (ع)

حضرت ابوالفضل عباس(ع) مجموعه بی مانند کمالات و اخلاق است و وارث صفات بی بدیل پدر بزرگوارش حضرت علی (ع) است و در راه دین و امام خود وفادارترین و استوارترین یار و یاور است.



چند سال پس از شهادت حضرت فاطمه (س) بود که امیرالمومنین(ع) از برادرش عقیل، که به اصل و نسب قبایل آگاه بود درخواست کرد زنی را از دودمانی شجاع برای او خواستگاری کند و عقیل، فاطمه کلابیه (ام البنین) را برای آن حضرت خواستگاری کرد و ازدواج صورت گرفت. امیرالمومنین (ع) از این بانوی گرامی، صاحب چهار پسر به نام‌های عباس، عثمان، جعفر و عبدالله شد.

در چهارم شعبان سال ۲۶ هجری قمری مولود عظیم‌الشأن و سرور فضایل عالمیان حضرت ابوالفضل العباس دیده به جهان می‌گشاید. امیر مؤمنان نام او را «عباس» که به معنی شیر بیشه و ترش‌رو در برابر باطل و کژیها است، گذاشت و کنیه‌اش را «ابوالفضل» و لقب او را قمر بنی‌هاشم خواند.

حضرت عباس(ع)، به لقب‌هایی چون ابورأس الحار (کنایه از کسی که در برابر مراعات نکردن امور الهی غضبناک شده و به خیانتکار مهلت نمی‌دهد) ابوالشاره (صاحب کرامت‌های مشهور) ابوفرّجه (گشایش پناهنده) حامل‌اللواء (پرچمدار)، عبد صالح، باب‌الحسین و ... شهرت یافت.

ارادت قلبی ام البنین (س) به خاندان پیامبر (ص) آنقدر بود که امام حسین (ع) را از فرزندان خود بیشتر دوست می‌داشت؛ بطوری که وقتی به این بانوی گرامی خبر شهادت چهار فرزندش را دادند فرمود: مرا از حال حسین (ع) باخبر سازید و چون خبر شهادت امام حسین (ع) به او داده شد، فرمود رگهای قلبم گسسته شد، اولادم و هر چه زیر این آسمان کبود است، فدای امام حسین (ع).

علم و معرفت حضرت ابوالفضل عباس(ع) در کودکی

در روزهای کودکی عباس، پدر گرانقدرش چون آیین معرفت، ایمان، دانایی و کمال در مقابل او قرار داشت و گفتار الهی و رفتار آسمانی اش بر وی تاثیر می‌نهاد. او از دانش و بینش علی(ع) بهره می‌برد. حضرت درباره تکامل و پویایی فرزندش فرمود: "ان ولدی العباس زق العلم زقا". همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر، که از مادرش آب و غذا می‌گیرد، از من معارف فرا گرفت. فرزند پاکدل علی(ع) در مدت 14 سال که با پدر زیست، همیشه در حرب و محراب و غربت و وطن در کنار او حضور داشت. در ایام دشوار خلافت، لحظه‌ای از وی جدا نشد و آنگاه که در سال 37 هجری قمری جنگ صفین پیش آمد، با آن که حدود 12 سال داشت، حماسه‌ای جاوید آفرید.

در یکی از روزهای جنگ صفین، حضرت عباس در حالی که نقاب به صورتش زده بود وارد میدان نبرد شده و مبارز می‌طلبید. معاویه، ابوشعثاء را به مبارزه او می‌خواند. ابوشعثاء تکبر کرده و می‌گوید: «171#& اهل شام مرا حریف هزار اسب سوار می‌دانند» (یعنی در شأن من نیست که به مقابله این شخص ناشناخته بروم) ابوشعثاء پسران هفتگانه خود را به سوی آن نوجوان نقابدار گسیل داشت و هر مرتبه او با شجاعت تمام آنها را به خاک و خون کشید. ابوشعثاء که چنین چیزی در باورش نمی‌گنجد خشمگین شده و خود به سوی آن نوجوان حمله می‌برد ولی او نیز کشته می‌شود. سپاه معاویه از وحشت بر خود می‌لرزد و سپاه حق نیز در کمال شگفتی فرو می‌رود تا اینکه علی (ع) نقاب از چهره آن نوجوان برمی‌دارد و او کسی جز قمر بنی‌هاشم نبود.

مقام علمی حضرت عباس(ع)

حضرت عباس (ع) در خانه ای زاده شد که جایگاه دانش و حکمت بود. آن جناب از محضر امیرمومنان(ع) و امام حسن (ع) و امام حسین(ع) کسب فیض کرد و از مقام والای علمی برخوردار شد. حضرت ابوالفضل العباس(ع) از عالمان فقیه فرزندان امامان (ع) می

باشد، چنانکه دانشمندان و محدثان بزرگ در شأنش گفته اند: "هو البحر من ای النواحي اتيته" و یا "فلجته المعروف و الجواد ساحله". امام صادق (ع) در شان عموی بزرگوارشان حضرت عباس (ع) فرمود: کان عمنا العباس نافذا البصيره. "عموی ما، عباس بصیرت نافذ (چشم تیز بین و عمق نگر) داشت"

مرحوم علامه محمد باقر بیرجندی نیز می نویسد: ان العباس من اکابر الفقها و افاضل اهل البيت، بل انه عالم غیر متعلم و لیس فی ذلک منافاه لتعلم ابیه اياه. "همانا عباس(ع) از فقههای بزرگ و از برجستگان خاندان نبوت بود، بلکه او دانشمند درس نخوانده بود و این مطلب منافاتی با علم آموزی پدرش حضرت علی (ع) به او ندارد.

مقام حضرت عباس (ع) نزد ائمه (ع)

اگر بخواهیم مقام و منزلت حضرت عباس(ع) را از دیدگاه امامان معصوم(ع) دریابیم، کافی است به سخنان آن بزرگوار درباره حضرت عباس (ع) توجه کنیم. در شب عاشورا، وقتی دشمن در مقابل کاروان امام حسین (ع) حاضر شد و در راس آنها عمر بن سعد شروع به داد و فریاد کرد، امام حسین (ع) به حضرت عباس (ع) فرمود: برادر جان، جانم به فدایت، سوار مرکب شو و نزد این قوم برو و از ایشان سوال کن که به چه منظور آمده اند و چه می خواهند.

در این ماجرا دو نکته مهم وجود دارد یکی آنکه امام به حضرت عباس می فرماید: من فدایت شوم. این عبارت دلالت بر عظمت شخصیت عباس (ع) دارد، زیرا امام معصوم العیاذ بالله سخنی بی مورد و گزاف نمی گوید و نکته دوم آنکه، حضرت به عنوان نماینده خود عباس(ع) را به اردوگاه دشمن می فرستد.

روز عاشورا هنگامی که حضرت عباس(ع) از اسب بر روی زمین افتاد، امام حسین (ع) فرمودند: (الان انکسر ظهري و قلت حیاتی) یعنی (اکنون پشتم شکست و چاره ام کم شد). این جمله بیانگر اهمیت حضرت عباس (ع) و نقش او در پشتیبانی از امام حسین (ع) است.

امام زمان (عج)، در قسمتی از زیارتنامه ای که برای شهادی کربلا ایراد کردند، حضرت عباس (ع) را چنین مورد خطاب قرار می دهند: السلام علی ابی الفضل العباس بن امیرالمومنین المواسی اياه بنفسه، الاخذ لغده من امسه، الفادی له، الوافی الساعی الیه بمائه، المقطوعه یداه لعن الله قاتله یزید بن الرقاد الجهنی و حکیم بن طفیل الطائی. «سلام بر ابوالفضل، عباس بن امیرالمؤمنین، هم درد بزرگ برادر که جانش را فدای او ساخت و از دیروز بهره فردایش را برگزید، آنکه فدایی برادر بود و از او حفاظت کرد و برای رساندن آب به او کوشید و دستانش قطع گشت. خداوند قاتلانش، «یزید بن رقاد» و «حکیم بن طفیل طایی» را لعنت کند."

امام زین العابدین (ع) به عبیدالله بن عباس بن علی بن ابی طالب (ع) نظر افکند و اشکش جاری شد. سپس فرمود: هیچ روزی بر رسول خدا (ص) سخت تر از روز جنگ احد نبود، زیرا در آن روز عموی پیامبر، شیر خدا و رسولش حمزه بن عبدالمطلب کشته شد و بعد از آن روز بر پیامبر هیچ روزی سخت تر از روز جنگ موته نبود، زیرا در آن روز پسر عموی پیامبر جعفر بن ابی طالب کشته شد سپس امام زین العابدین (ع) فرمود: هیچ روزی همچون روز مصیبت حضرت امام حسین (ع) نیست که 30 هزار تن در مقابل امام حسین (ع) ایستادند و می پنداشتند که از امت اسلام هستند و هر یک از آنها می خواستند از طریق ریختن خون امام حسین (ع) به نزد پروردگارشان بروند و حسین(ع) ایشان را موعظه می فرمود و کار را تا آنجا کشاندند که آن حضرت را از روی ظلم وجور و دشمنی به شهادت رساندند. آنگاه امام زین العابدین (ع) فرمود: خداوند حضرت عباس (ع) را رحمت کند که به حق ایثار کرد و امتحان شد و جان خود را فدای برادرش کرد تا آنکه دو دستش قطع شد. لذا خداوند عزوجل در عوض، دو بال به او عطا کرد تا همراه ملائکه در بهشت پرواز کند، همان طور که به جعفر بن ابی طالب (ع) هم دو بال عطا فرمود و به تحقیق، حضرت عباس (ع) نزد پروردگار مقام و منزلتی دارد که روز قیامت همه شهدا به آن مقام و منزلت غبطه می خورند.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه